

مفهوم‌سازی و سنجش فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام با رویکرد نهادگرایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۱/۱۳

علی اصغر هادوی نیا*

سعید خدیوی رفوگر**

چکیده

در صورت نبود یک مفهوم مورد اتفاق درباره فساد اقتصادی که شامل مصادیقی به منظور رصد و سنجش وضعیت موجود باشد، هرگونه تلاش در جهت از بین بردن آن بی‌ثمر خواهد بود. برای نیل به این مهم هرگونه مفهوم‌سازی باید در چارچوب این نظامات فکری و ارزشی صورت گیرد.

در پژوهش پیش رو ضمن بررسی تعاریف پرکاربرد درباره فساد اقتصادی، مشخص گردید که بیشتر این تعاریف در اقتصاد متعارف به دلیل تأثیرپذیری از مبانی نظام سرمایه‌داری محدود به بخش دولتی گردیده که ایرادات فراوانی بر آن وارد می‌باشد؛ بر این اساس با توجه به رویکرد اقتصاد نهادگرا، بهترین روش برای تبیین مفهوم فساد در هر جامعه، استفاده از هنجارها و ارزش‌های عرفی فرهنگی شده و نهادی آن جامعه می‌باشد؛ با عنایت به این مهم و با رجوع به دین نهادی که نماینده ارزش‌های عرفی فرهنگی شده در سطح جامعه می‌باشد، مشخص گردید که در سنت شیعی مکاسب محرمة با توجه به جایگاه آن در نهادهای رسمی و غیررسمی، دقیق‌ترین و عمیق‌ترین معادل مفهومی برای فساد اقتصادی از منظر اسلام می‌باشد. همچنین با توجه به برخی از مهم‌ترین مصادیق، شاخصی طراحی گردید که با استفاده از روش ادراک فساد در بافت پیرامون حرم رضوی سنجش شده؛ بر اساس نتایج به دست آمده بیش از نیمی از فعالیت‌های اقتصادی منطقه مبتلا به فساد اقتصادی می‌باشند.

واژگان کلیدی: فساد اقتصادی، اقتصاد نهادگرا، مکاسب محرمة، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: Z19, Z12, D79, D73

۴۷

فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی / سال هفدهم / شماره ۶۶ / تابستان ۱۳۹۶

Email: alihadavinia@gmail.com.

*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

** دانشجوی دکترای پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و دبیر گروه مطالعات اقتصاد پژوهشکده ثامن

(نویسنده مسئول).

Email: khadivy@gmail.com.

اجماع و بومی به منظور شناخت و سنجش وضعیت موجود، هر فعالیتی به منظور مبارزه با آن ناموفق خواهد بود؛ این در حالی است که در میان سیاستمداران و حاکمان و همچنین عموم مردم، اصطلاح فساد و مفاسد اقتصادی بیشترین کاربرد را دارد؛ با این وجود متأسفانه پژوهشگران تقریباً کمترین توجه را به این اصطلاح داشته‌اند؛ بدین ترتیب تقریباً درباره مفهوم فساد در حوزه اقتصاد درک مشترکی وجود ندارد و تاکنون نیز هیچ شاخص بومی و مناسبی برای سنجش وضعیت موجود به دست نیامده است.

بنابراین با توجه به اینکه مبنای اعتقادی و هنجاری در کشور ما دین اسلام و مذهب تشیع می‌باشد، هرگونه مفهوم‌سازی (Conceptualization) درباره این مسئله باید برگرفته و مبتنی بر این نظام و آیین فکری باشد و از آنجایی که مراد این پژوهش مفهوم تخصصی این واژگان در فرهنگ اسلامی می‌باشد، باید در میان عالمان اسلام مورد پذیرش و اجماع باشد. مفهوم فساد باید دارای دو ویژگی باشد؛ اولاً قابل درک برای عموم مردم باشد؛ ثانیاً مورد پذیرش نخبگان و مسئولان سیاستی نظام نیز باشد؛ بنابراین، این پژوهش در پی ارائه معادل مفهوم فساد اقتصادی از دید دین اسلام می‌باشد تا بر پایه این مفهوم بتواند شاخص مناسب به منظور سنجش فساد اقتصادی از منظر اسلام ارائه نماید.

توجه به این نکته بایسته است که هدف از مفهوم‌سازی در این پژوهش، دستیابی به معادل مفهومی مناسب در فرهنگ اسلامی - شیعی به منظور ساخت شاخص بومی و قابل سنجش است؛ بدین ترتیب حرکت به سمت تعاریف انتزاعی چندان سودمند نخواهد بود؛ بلکه بهتر آن است که یک معادل مفهومی کلی مورد اجماع که دارای نماگرهای مشخصی باشد، ارائه گردد تا در عرصه عملیاتی و اجرایی کاربرد بیشتری داشته باشد.

در این راستا، در پژوهش پیش رو نخست تعاریف فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام، هرچند محدود، مرور خواهد شد تا در ادامه با نقد و بررسی تعاریف رایج درباره فساد اقتصادی، ایرادات وارد بر آن و رویکرد رقیب معرفی گردد؛ سپس با توجه به روش‌شناسی نظریات رقیب، مفهوم فساد اقتصادی از دید اسلام تبیین خواهد شد تا سرانجام، سنجش این مهم در بافت پیرامون حرم رضوی صورت گیرد.

پیشینه پژوهش

با وجود اینکه موضوع اقتصاد و سلامت آن در آموزه‌های اسلامی دارای جایگاه رفیعی می‌باشد؛ ولی امروزه این موضوع در پژوهش‌های دانشگاهی و حوزوی از اقبال چندان برخوردار نمی‌باشد؛ با این حال برخی از پژوهش‌ها کوشش کرده‌اند این مهم را تبیین نمایند؛ از آن جمله می‌توان به دوست فرخانی و دیگران (۱۳۹۲) اشاره کرد که در آن تعریف فساد اقتصادی از دید قرآن کریم به این صورت تبیین گردیده است: قرآن کریم در مجموع، هر نوع خروج اصول رفتاری در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی از چهارچوب آموزه‌های اسلامی را فساد در آن حوزه معرفی کرده است.

اکبرنژاد و همکاران (۱۳۹۳) نیز با استفاده از مفهوم حکومت و دولت در اسلام، فساد اداری را از دید اسلام این‌گونه تعریف نموده‌اند: «فساد اداری به هر نوع عملی اطلاق می‌شود که از سوی هر کسی و به هر صورتی و هر انگیزه‌ای انجام گیرد؛ به گونه‌ای که در اهداف و عمل‌کرد نهادهای دولتی اختلال ایجاد و یا آن را از مسیر صحیح خویش منحرف کند.

عثمان الحبشی (۲۰۰۸) نیز در مقاله خود در پی تعریف فساد و رشوه از منظر اسلام با اشاره به حدیثی از پیامبر ﷺ ضمن اشاره به حرام بودن فساد از منظر اسلام، فساد را معادل رشوه تعریف نموده و بیان می‌دارد که در دیدگاه اسلام کلیه هدایایی که به فرد صاحب قدرت و ذی نفوذ برای اعمال نفوذ پرداخت می‌شود را باید معادل رشوه در نظر گرفت؛ ولی اگر این هدایا به دلیل احترام و به پاس خدمات آنها به مردم یا برای ابراز عشق و محبت باشد، رشوه تلقی نمی‌گردد.

محمد العرفا (۲۰۱۲) بیان می‌دارد که در قرآن و سنت فساد به طیف گسترده‌ای از انحرافات رفتاری که تعادل محیط زیست، اقتصاد و اجتماع را تهدید می‌کند اطلاق می‌گردد. چنین فعالیت‌هایی در جای‌جای قرآن کریم به زبان ساده در ارتباط با عادلانه یا ناعادلانه بودن آن با توجه به اثرات زیان‌بار آن روی نظامات اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی بیان گردیده است.

اسماعیل پرور (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی که به بررسی فساد در اسلام پرداخته مدعی شده است که «از دیدگاه قرآنی، فساد، دامنه گسترده‌ای دارد و هر نوع ستم، گناه، کج‌روی،

هدردادن منابع و زیان‌رساندن به دیگران را دربرمی‌گیرد». در این باره در تفسیر نمونه آمده است: «تمام نابسامانی‌ها و همه افراط و تفریط‌ها گونه‌ای از فساد است» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۱۰، ص ۲۶۵).

همان‌طور که مشاهده می‌گردد، در بیشتر این پژوهش‌ها که با رویکرد اسلامی در پی تعریف فساد بوده‌اند، اگرچه در حوزه اقتصاد می‌باشد، ولی عمدتاً تعریف کلی فساد در اسلام را بررسی کرده و آن را به عنوان تعریف فساد پذیرفته‌اند. به‌طور کلی آنچه در بیشتر این پژوهش‌ها درباره فساد مشخص است، توجه به گستردگی شمول فساد اقتصادی از دید اسلام می‌باشد. این در حالی است که نظام فرهنگی اسلام قرن‌هاست مبانی هنجاری و ارزشی جامعه را ساخته است؛ بنابراین بسیاری از مفاهیم تخصصی به مفاهیم عرفی تبدیل گردیده است و از این رو درک مشترکی از مصادیق آن در سطح جامعه وجود دارد.

با این وجود همچنان هیچ اجماعی درباره تعریف فساد از منظر اسلام وجود ندارد؛ به نظر می‌رسد در ارتباط با فساد همچون بسیاری از مفاهیم کلی و کلیدی، تلاش در جهت دستیابی به یک تعریف جامع و مانع نه تنها امکان‌پذیر نباشد، بلکه چندان سودمند نیز نخواهد بود؛ بنابراین دستیابی به یک معادل مفهومی مناسب در ارتباط با این واژگان در ادبیات اسلامی مناسب‌تر است؛ از این طریق می‌توان با کشف مصادیق این مفهوم در اسلام، شاخص بومی به منظور سنجش فساد و تحلیل وضعیت موجود ساخت.

از آنجایی که در پژوهش پیش رو هدف اصلی از تبیین مفهوم فساد، دستیابی به شاخص بومی جهت سنجش وضعیت فساد اقتصادی در سطح جامعه می‌باشد، تلاش در جهت تعریف فساد به معنی دستیابی به حدی که مشتمل بر تمام ذاتیات معرفت باشد، چندان مطمح نظر نمی‌باشد؛ بر این اساس در پی آن هستیم که از طریق مفهوم‌سازی فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام، شاخص مناسبی به منظور سنجش فساد اقتصادی طراحی نماییم. برای رسیدن به این مهم ضمن نقد و بررسی تعاریف رایج درباره فساد اقتصادی، رویکرد مناسب به منظور تبیین مفهوم فساد معرفی خواهد شد تا از این رهگذر بتوانیم به تبیینی قابل پذیرش از مفهوم فساد اقتصادی دست پیدا کرده و نیز در مرحله بعد ضمن طراحی شاخص مناسب به صورت نمونه موردی آن را اندازه‌گیری نماییم.

نقد و بررسی تعاریف رایج از فساد

پیش از پرداختن به تعاریف رایج درباره فساد اقتصادی باید به بررسی اجمالی اصطلاحات رایج فساد در زبان فارسی پرداخت. اگرچه ترجمه صریح لغوی واژه Corruption معادل فساد می‌باشد، ولی در حقیقت برای معادل اصطلاحی این عبارت در زبان فارسی از واژگان متفاوتی استفاده شده است.

واژه «فساد» از ریشه «فسد» به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است؛ معادل انگلیسی آن «Corruption» از ریشه لاتینی «Corruptus» به معنای فاسدشده، نابودشده و شکسته گرفته شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، معنای واژه «Corrupt» در زمینه علوم اجتماعی به معنای رشوه‌دادن، فاسدکردن، تحریف‌کردن و نقض کردن است و معنای واژه «Corruption» زوال اخلاق است؛ چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد؛ بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (تانزی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۲-۱۸۳)؛ ولی تعریفی دیگر مدعی است که واژه فساد از ریشه فرانسوی «Corruption» و ریشه لاتینی «Rumpere» به همان معنای «شکستن» یا «نقض کردن» گرفته شده است؛ در این تعریف آنچه که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند یک «شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری» باشد.

در زبان فارسی برای فساد معانی گوناگونی مانند «تباهی»، «ستم»، «مال کسی را گرفتن»، «گزند»، «زیان»، «ظلم و ستم»، «شرارت» و «بدکاری» ذکر شده است (افضلی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۸). راغب در مفردات، فساد را خروج هر چیز از اعتدال می‌داند؛ چه این خارج شدن کم باشد چه زیاد و صلاح، ضد آن خواهد بود (راغب، ۱۳۸۷)؛ این معنای لغوی فساد است؛ ولی آنچه که در اینجا مدنظر است، مفهوم فساد یا به عبارتی معنای اصطلاحی و واژگان مترادف با فساد اقتصادی است.

برخی از پژوهش‌ها در زمینه حسابداری این اصطلاح را معادل فساد مالی در نظر می‌گیرند (رهبر، ۱۳۸۱ / دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳ / صادقی، ۱۳۸۹)؛ ولی برخی دیگر از پژوهش‌ها با در نظر گرفتن رویکردهای مدیریتی، آن را به اصطلاح فساد اداری (توکلی ۱۳۹۰ / ربیعی، ۱۳۹۱ / خدمتی، ۱۳۹۳) تعبیر می‌کنند و سرانجام برخی از پژوهش‌ها با

رهیافتی مشترک، از اصطلاح فساد اداری - مالی (روشنی، ۱۳۸۴ / رفیعی، ۱۳۸۴ / عظیمی، ۱۳۹۰) استفاده می‌کنند. میان اصطلاحات بالا از لحاظ نظری و واژگانی می‌توان تفاوت قائل شد و هر کدام را بخشی از مفهوم کلی فساد اقتصادی دانست؛ گرچه در بیشتر پژوهش‌هایی که از اصطلاحات بالا استفاده گردیده است، با توجه به تعاریفی که برای فساد بیان شده، مراد اصلی پژوهشگر بررسی فساد در حوزه مسائل اقتصادی به‌طورکلی بوده است.

به عنوان مثالی دیگر، فساد از دیدگاه جامعه‌شناسان، کلاهبرداری، اختلاس، دزدی و سرقت را هم در برمی‌گیرد که متأسفانه آنچه فساد اقتصادی را متمایز می‌کند یعنی به مبادله توجه نمی‌کند. در علوم سیاسی کلاسیک، علت فساد اقتصادی ضعف نظام سیاسی به‌ویژه نبود مردم‌سالاری تصور می‌شد. در گذشته باور بر این بود که فساد اقتصادی زائیده نظام‌های سیاسی است که الگوهای تقسیم قدرت، معیارها و موازنه‌ها، نهادهای پاسخگو و همچنین روش‌های رسمی و ایدئال حکومت مردم‌سالاری را ندارند؛ جوزف نای (Joseph Nye, 1967)، *دانیل کافمن* (Daniel Kaufmann, 1997) و *مارک وارن* (Mark Warren, 2004)، دانشمندان علوم سیاسی، فساد را به عنوان انحراف از وظایف رسمی نقش دولتی و سوء استفاده مقام دولتی برای کسب منفعت شخصی تعریف می‌کنند.

اقتصاددانان تعاریف متفاوتی از فساد اقتصادی ارائه داده‌اند؛ ولی در میان اقتصاددانان جریان اصلی (Mainstream) که بیشتر اقتصاددانان را شامل می‌شود، اجماعی از تعریف فساد حول بخش دولتی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به *جین* (Jain, 2001) و *تریسمن* (Daniel Treisman, 2000) *شیفر* و *ویشنی* (Andrei Shleifer and Robert Vishny, 1993) *پائولو مائورو* (Paolo Mauro, 1995) اشاره کرد.

با این حال در این پژوهش، مراد از فساد اقتصادی هرگونه مفسده و یا فساد در حوزه رفتارهای اقتصادی افراد با پافشاری بر حوزه درآمدی و منافع اقتصادی ایشان می‌باشد؛ به بیان بهتر فساد اقتصادی در این پژوهش معادل اصطلاح Corruption در زبان انگلیسی می‌باشد که شامل مفسد در حوزه امور اقتصادی اعم از مفسد اداری، مالی، حسابداری، بانکی و ... است؛ بر این اساس در ادامه، ضمن بیان تعاریف رویکرد اقتصاد متعارف از فساد اقتصادی به نقد و بررسی این تعاریف خواهیم پرداخت؛ برای این مهم، باید مبانی و

اصولی که این تعاریف از آنها استخراج گردیده است، مشخص شود تا در صورت نیاز، از این رهگذر بتوانیم رویکرد مناسب در تعریف فساد را مشخص نماییم.

در متداول‌ترین تعریف از فساد اقتصادی که بیشترین استفاده را دارد، فساد اقتصادی به معنی استفاده غیر قانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی است (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۴). همچنین در تعریف بانک جهانی که تقریباً در سطح جهانی پذیرفته شده، فساد عبارت است از: سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع خصوصی، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی (بانک جهانی، ۱۹۹۷م، ص ۱۰۲).

از دید اقتصاد متعارف که مبتنی بر نظام سرمایه‌داری است، با توجه به اینکه فساد یک پدیده دولتی تعریف می‌شود، راه‌حل مشکل فساد نیز کاهش اندازه دولت است. در یک رویکرد افراطی، برنده جایزه نوبل، گری بکر (Gary Becker)، اشاره می‌کند: «اگر دولت را براندازیم، فساد را از میان خواهیم برد» (تانزی، ۲۰۰۰)؛ ولی پرسش اساسی این است که آیا چنین رویکردی قابل دفاع است؟

شواهد و مدارک وضعیت فساد در اقتصادهای انتقالی (گذرا)، این دیدگاه را به چالش می‌کشد؛ فساد در رژیم‌های از نوع شوروی در چین و اروپای شرقی به صورت بومی بوده است و با اینکه قدرت اقتصادی دولت کاهش یافته است و بازارها و مالکیت خصوصی نقش مهم‌تری را بازی می‌کنند، از ۱۹۸۹ به بعد، به‌ویژه در روسیه علی‌رغم خصوصی‌سازی گسترده در دهه ۱۹۹۰، فساد همچنان ادامه دارد (Levin and Satarov, 1991)؛ رز آکرمن (Rose-Ackerman, 1999) بیان می‌کند که در نتیجه خصوصی‌سازی ممکن است برخی از انواع فساد دولتی به دلیل کاهش نقش اقتصادی دولت، کاهش یابد؛ ولی شواهد نشان می‌دهد روند خصوصی‌سازی می‌تواند فرصت‌های فساد مقامات دولتی را افزایش دهد؛ بنابراین سطوح فساد به‌طور کلی و یا حتی فساد بخش دولتی به‌طور ویژه، رابطه نزدیک با اندازه دولت ندارد. با توجه به شاخص‌های منتشرشده، برخی از کشورهای کمتر فاسد، از جمله دانمارک، فنلاند، هلند، نروژ و سوئد، بزرگ‌ترین سطح هزینه‌های عمومی را به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی دارند (Hodgson, 2007, p.1048).

یکی از دلایل انحراف فکری آنها حول فساد صرف بخش دولتی، تأثیر گسترده ایدئولوژی سرمایه‌داری است. در حقیقت نگرانی اولیه در این ایدئولوژی، سوء استفاده از قدرت توسط سیاستمداران است. این مسئله، حساسیت و نگرانی اندیشمندان سرمایه‌دار (فردگرا و آزادی‌خواه) از جمله میلتون فریدمن و فردریک هایک را برنمی‌انگیزاند؛ بر اساس این جریان فکری، بیشتر قراردادهای داوطلبانه و رضایتمندانه تا زمانی که به دیگران آسیب نرسانند، اخلاقی و قانونی هستند. از دیدگاه سرمایه‌داری پیش‌تر این‌گونه بحث می‌شد که نادیده‌گرفتن اثرات خارجی منفی فساد، رشوه و دیگر شکل‌های فساد در حوزه خصوصی، منافع بالقوه دارد و به نوعی فعالیت کارآفرینانه محسوب می‌گردد؛ در مقابل فساد در بخش دولتی، شامل سوء استفاده از قدرت درون نهادهای دولتی است که با تردید همراه است؛ از این جهت است که در ادبیات فساد اقتصادی برخی از اشکال فساد همچون رشوه کاملاً موجه و حتی تأیید می‌شود؛ تا آنجایی که برخی همانند *تینکسون* و *مالیز* (۲۰۱۱) از فساد به عنوان روغن توسعه یاد می‌کنند (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳).

بنابراین، آنچه که منجر به بروز این مشکل شده است را باید در مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری جستجو کرد. برای اثبات این مدعا می‌توان به مبانی اخلاقی اقتصاد متعارف یا همان نظام سرمایه‌داری توجه نمود.

از دیدگاه مبانی فلسفه اخلاقی، علم اقتصاد متعارف تا اندازه زیادی فایده‌گرا باقی مانده است. هدف نهایی اخلاق، حداکثرکردن شادمانی، رضایت و یا مطلوبیت است و اهداف سیاستی بر حسب مطلوبیت یا شادی فردی اندازه‌گیری می‌شود. پیش‌فرض آن است که فرد بهترین داور رفاه خودش است و به‌طور معمول معیار پارتو را برای ایجاد گزاره‌های اخلاقی در نظر می‌گیرد. در رویکرد فایده‌گرا، اهمیت و توجه اخلاقی به حداکثرسازی مطلوبیت توسط افراد، تقلیل یافته است و تنها برخی از فایده‌گرایان بر قواعد و نهادها پافشاری دارند.

در زمینه تعریف فساد، محاسبات منطقی فایده‌گرایان از سود و زیان در رفتار تصمیم‌گیری، تا اندازه‌ای کافی در نظر گرفته نشده است:

شهروندانی که از خیانت خودداری می‌کنند، صرفاً به دلیل آنکه مغایر با قانون است، در واقع از صداقتی - وفاداری - سؤال‌برانگیز برخوردار هستند؛ بر این اساس، ارزش‌ها و

تعهدات ایجاد شده‌ای به وسیله افراد وجود دارد که غیر قابل تحویل به مسائل مربوط به انگیزش و یا بازدارندگی است؛ در واقع، تحویل این ارزش‌ها صرفاً به مسائل مربوط به انگیزه‌های فردی و یا عامل بازدارنده، خیانت به ارزش‌ها و تعهدات است (Hagstrom, 1965, p.20).

اقتصاد متعارف با پذیرش فایده‌گرایی تا اندازه‌ای مفهوم فساد را خراب کرده است؛ بنابراین، عدول از رویکرد فایده‌گرایانه در فلسفه اخلاق، برای درک پدیده فساد اقتصادی بایسته است. مهم‌ترین نظام اخلاقی در مقابل این رویکرد در فلسفه اخلاق، رویکرد وظیفه‌گرایانه است که به وسیله مکاتب هترودوکس همچون نهادگرایان اولیه ارائه می‌گردد و پیروی از قواعد و قوانین را عمل اخلاقی دانسته و از آن دفاع می‌کنند؛ در این رویکرد پایبندی به قوانین اجتماعی شامل تعهد اخلاقی، در حقیقت به عنوان ارزش‌های اخلاقی شناخته می‌شود؛ این موضوعات در حَرَف مختلف به‌طور گسترده استانداردهای اخلاقی را می‌سازند؛ مانند حرفه پزشکی که برای ساخت اخلاق پزشکی از تعهدات و قوانین استفاده می‌کند؛ نکته بسیار مهم توجه به این امر است که نه تنها پایبندی آشکار به قواعد رفتاری مورد نیاز است، بلکه تعهد اخلاقی درونی به ارزش‌های مناسب نیز ضروری است؛ در حقیقت عادات یا تعهدات اخلاقی به مراتب از اعمال اخلاقی به خاطر ترس از سنگ مجازات یا پاداش برتری دارد (Hodgson, 2007, p.1051).

اگرچه در رویکرد وظیفه‌گرا پافشاری بر تعهدات اخلاقی می‌باشد، ولی با این وجود در تعریف فساد در این رویکرد، تنها بحث بر سر نقض قوانین نیست؛ همان‌گونه که می‌دانیم فساد اقتصادی همیشه غیر قانونی نیست. تا سال ۱۹۷۷، پیشنهاد رشوه برای شرکت‌های ایالات متحده و بسیاری از کشورها جهت تضمین قراردادهای خارجی قانونی بود. «به‌طور کلی قوانین می‌توانند به‌طور تصادفی نقض شوند یا نادیده گرفته شوند و نقض یک قاعده لزوماً تشکیل یک عمل فاسد را نمی‌دهد؛ فساد یک موضوع زیر قانون نیست؛ بلکه اساساً موضوع اخلاق است» (میلر و همکاران، ۲۰۰۵م؛ به نقل از هاجسون، ۲۰۰۷م)؛ البته توجه به این نکته خالی از لطف نیست که در اینجا مراد از اخلاق حس اولیه اخلاقی است نه بررسی فساد از دیدگاه فلسفه اخلاقی. در این رویکرد بیشتر تمرکز روی نقض قواعد هنجاری و ارزشی یک جامعه است که ممکن است نه در فلسفه اخلاق و نه در قوانین

موجود نباشند؛ ولی عادت عرفی فرهنگی شده و ارزش‌های یک جامعه باشند (Hodgson, 2007, p.1052).

به‌طورکلی تمایز اصلی میان رویکرد فایده‌گرا و رویکرد وظیفه‌گرا در قضاوت درباره امور مربوط به فساد این است که با توجه به سبک استدلال، دیدگاه فایده‌گرا بیشتر معطوف به آینده و تجزیه و تحلیل آثار و نتایج فساد اقتصادی است؛ ولی روش وظیفه‌گرا بیشتر ناظر به گذشته است و مرکز بحث روی مقررات، قوانین و قواعد اخلاقی است که به عنوان قطب اخلاقی عمل می‌کنند. این رویکرد مبتنی بر امر مطلق عقلانی کانت به صورت یک قاعده مطلق برای رفتار اخلاقی می‌باشد؛ بنابراین در این رویکرد، به اصول اخلاقی مبتنی بر قواعد سخت‌گیرانه نسبت به سایر رویکردها پافشاری می‌شود (Ibid)؛ پس رویکرد وظیفه‌گرا به فساد، نیاز به توجه دقیق به هنجارهای اخلاقی جامعه و ارتباط آنها با وجدان در ذهن انسان‌ها دارد که بیشتر ناظر به یک امر درونی و خودکنترلی می‌باشد.

۵۷

رویکرد وظیفه‌گرا که در اقتصاد توسط نهادگرایان پیگیری شده است، نگاه دیگری از دولت و قانون با پیامدهای مهمی برای تجزیه و تحلیل از فساد ارائه داده است. بر اساس این خط فکری، مالکیت فردی در تصرف صرف فرد نیست؛ بلکه شامل حقوق اجتماعی اذعان شده و قابل اجراست؛ به عبارتی دیگر اگرچه بیشتر نهادها و روابط قانونی مهم، شامل مالکیت و بازارها، در نتیجه ترکیب سازوکارهای خودبه‌خودی و قانونی به وجود آمده‌اند؛ ولی نهادها به‌طورکلی و به ناچار در هم پیچیده‌اند و بیشتر اوقات حمایت متقابل برای یکدیگر را می‌طلبند. باید وجود یک نهاد مانند دولت در ارتباط با دیگر نهادهایی در نظر گرفته شود که آن را حفظ و حمایت می‌کنند. همچون نهادهای دولتی که به هم مرتبط‌اند، بخش‌های خصوصی و دولتی نیز درهم‌تنیده و تفکیک ناپذیرند؛ این ویژگی نهادگرایی که نقش دولت و نفوذ نهادها - دولتی و خصوصی - در اقتصاد بازار را به هم مرتبط می‌سازد، فساد را یک پدیده نهادی می‌داند که هر دو حوزه خصوصی و دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجاکه در این رویکرد، پافشاری بر نهادهاست، اقتصاددانان نهادگرا توجه و هشیاری بیشتری به قواعد و نقض آنها دارند و بنابراین در تعریف فساد، توانایی تبیین و توصیف بهتری را نسبت به رویکرد اقتصاد متعارف دارد.

رویکرد نهادگرایی ساختار قواعد حاکم، انگیزه‌ها و قیودی را برای اقدامات فردی به دنبال دارد. با خطمشی رفتار به این شیوه، عادات موافق در میان جمعیت بیشتر توسعه یافته و تقویت شده است؛ عادات، اجزای تشکیل دهنده نهادها هستند که نهادها را با دوام تقویت کرده، قدرت و اقتدار هنجاری ارائه می‌دهند (Kilpinen, 2000/ Wood, Quinn and Kasy, 2002)؛ در واقع، این فعل و انفعال رفتار، عادت، احساس و عقلانیت به توضیح قدرت هنجاری عرف در جامعه کمک می‌کند؛ از این رو همان‌طور که /دموند برکه (Edmund Burke, 1757) می‌گوید: عرف، ما را با همه چیز آشتی می‌دهد و قوانین عرفی می‌تواند نیروی اقتدار اخلاقی را به دست آورد؛ در عوض این هنجارهای اخلاقی به تقویت بیشتر نهادها در عمل کمک می‌کند (Hodgson, 2007, p.1050).

با توجه به آنچه بیان گردید، اگرچه رویکرد نهادگرایی یک تعریف عام برای مفهوم فساد ارائه نمی‌دهد؛ ولی تعریف فساد در این رویکرد از گستردگی بیشتری برخوردار است؛ همان‌طور که بیان شد در رویکرد نهادگرایی در روش و رویکرد تعریف فساد، توجه بیش از پیش به قواعد عرفی فرهنگی شده جامعه می‌شود. مطابق با این رویکرد، اگر بخواهیم تعریفی از فساد در ایران ارائه دهیم باید سراغ فرهنگ، عرف، عادات و ارزش‌های نهادینه شده در جامعه رفت و بر اساس آن مبانی ارزشی و هنجاری به تبیین مفهوم فساد اقتصادی پرداخت؛ در حقیقت بر اساس روش‌شناسی نهادی، از آنجایی که فساد بیش از آنکه یک موضوع و مسئله نظری باشد، یک معضل در عرصه عمل است و هرگونه تبیین و تعریف باید مبتنی بر هنجارها، عادات و عرف نهادینه باشد؛ ولی اگر بخواهیم مفهوم فساد را از دید اسلام در چارچوب این روش تبیین کنیم، باید از میان چهار مرحله دین، به دین نهادی توجه کنیم. توجه به این نکته ضروری است که اگرچه مبانی اقتصاد نهادگرا ممکن است مبتنی بر نسبی‌انگاری باشد؛ ولی از آنجایی که دین اسلام بر مبنای عقل و فطرت بنا نهاده شده است، تعریفی که مبتنی بر دین نهادی استخراج گردد، بی‌گمان جهان‌شمول خواهد بود و قابلیت تسری به تمامی جوامع را خواهد داشت؛ به بیان ساده‌تر این پژوهش تنها از دید روش‌شناسی از الگوی نهادی پیروی خواهد کرد و دیگر وجوه این الگو با توجه به جهان‌شمول بودن دین اسلام عملاً غیر قابل پذیرش است. اگرچه در یک نگاه محدود نیز دست‌کم مفهوم فساد برای کشور ایران به هیچ عنوان نمی‌تواند فارغ از مفهوم

فساد از دید اسلام مورد پذیرش قرار گیرد؛ بر این اساس در بخش بعدی با استفاده از روش این رویکرد در مبنای به تعریف فساد از دید اسلام خواهیم پرداخت.

مفهوم فساد از دیدگاه اسلام

در بخش پیشین به این نتیجه دست یافتیم که رویکرد و روش تبیین مفهوم فساد از دید اقتصاد نهادگرا برای تبیین مفهوم فساد از دید اسلام مناسب می‌باشد. در این بخش قصد داریم به پرسش اصلی پژوهش که همان مفهوم فساد از دیدگاه اسلام است، پاسخ دهیم. در بررسی مطالعاتی که پیش از این درباره فساد از دید اسلام انجام گرفته بود، دریافتیم که تعریف مفهوم فساد از دید اسلام به صورت یک گزاره معنابخش امکان جامعیت و مانعیت ندارد؛ از این رو باید سراغ مفهوم‌سازی آن در نظام اسلامی رفت.

همان‌طور که دیدیم بر مبنای روش‌شناسی اقتصاد نهادگرا هر مفهومی از فساد باید بر مبنای ارزش‌های عرفی فرهنگی شده آن جامعه بیان گردد. با توجه به اینکه کشور ایران بر پایه نظام ارزشی اسلام بنا گشته است، نمی‌توانیم تبیین مفهومی خارج از مبنای ارزشی اسلام برای فساد اقتصادی ارائه کنیم؛ از این روست که در این بخش از پژوهش کوشش خواهیم کرد با استفاده از منابع اسلامی و با پافشاری بر ارزش‌های عرفی فرهنگی شده به مفهوم فساد اقتصادی از دید اسلام بپردازیم.

در یک تعریف کلی انسان پس از درک حقایق اشیا تصویری از آنها در ذهن خود ترسیم می‌کند که آن را «مفهوم» می‌نامند؛ در مقابل، چیزی که این مفهوم بر آن منطبق می‌شود، یعنی همان حقیقت خارجی، «مصادق» نام دارد؛ ولی با توجه به اینکه حقایق اشیا گونه‌های مختلف دارند، مفاهیمی که از آنها ساخته می‌شود نیز متفاوت است؛ بر این اساس یک مفهوم می‌تواند جزئی یا کلی، معطی یا مشکک باشد؛ بنابراین می‌توان ادعا نمود که مفهوم فساد اقتصادی یک مفهوم کلی است که بر مجموعه‌ای از مصادیق اطلاق می‌شود؛ از این رو در تبیین مفهوم فساد با توجه به روش‌شناسی اقتصاد نهادگرایان در این پژوهش، سراغ دین نهادی خواهیم رفت؛ در یک تعریف، آن بخش از «دین مکشوف» که عمومی می‌شود و نهادینه می‌گردد و به صورت آیین گروهی از مردم درمی‌آید، «دین نهادی» است

و آنچه از «دین نفس‌الامری» یا «دین مُرسَل» با مراجعه به عقل یا نقل برای افراد آشکار می‌گردد، «دین مکشوف» می‌باشد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۹۸).

در حقیقت خداوند متعال ﷻ که آدمی را خلق نمود، برای سعادت این موجود راهی روشن داشت (دین نفس‌الامری) که در هر زمان بخشی از آن نسخه الهی را برای آدمیان به وسیله رسولان فرو فرستاد (دین مُرسَل) و مردم به کمک آنچه پیامبران بیان می‌کردند (نقل) یا به کمک خرد و اندیشه خود (عقل) به عناصری از آن نسخه الهی پی می‌بردند (دین مکشوف) و بخشی از این دانسته‌ها عمومی و فراگیر می‌شد و به صورت یک نهاد در می‌آمد و چهره یک آیین را پیدا می‌کرد (دین نهادی) (همان).

با توجه به توضیح بالا برای دستیابی به مفهوم فساد به بحث‌های پیچیده فلسفه اخلاقی و مبانی ارزشی نیاز نمی‌باشد؛ همان‌گونه که نیازی به بررسی مباحث مطرح‌شده در دین مکشوف هم احساس نمی‌گردد؛ بلکه آنچه باید ملاک عمل در دستیابی به مفهوم فساد اقتصادی قرار گیرد، توجه به ارزش‌ها و هنجارهای عرفی فرهنگی شده (دین نهادی) آن جامعه می‌باشد که ملاک عمل بوده و در جامعه نهادینه شده و پذیرفته شده است؛ بر این اساس در ادامه به آشکارسازی مفهوم فساد اقتصادی از منظر اسلام خواهیم پرداخت. با توجه به این مهم که فقه، دانشی اسلامی برای به‌دست‌آوردن احکام عملی یا تکالیف دینی انسان در این دنیا می‌باشد، باید جهت دستیابی به مفهوم فساد اقتصادی از دید اسلام به دستگاه فقه به عنوان چارچوب رفتار عملی در اسلام رجوع نمود.

از آنجایی که دین نهادی به منزله آن بخش از دین است که در عرصه عمل مورد پذیرش عموم قرار گرفته و به آن عمل می‌گردد، در نتیجه برای دستیابی به آن در وهله نخست بهترین منبع «رساله‌های عملیه» می‌باشد؛ «رساله عملیه» بر مجموعه‌ای که دربردارنده مسائل و احکام فقهی مورد ابتلای مقلدان است، اطلاق می‌شود. از ویژگی‌های این مجموعه‌ها، روان و ساده‌بودن عبارات و آسان‌بودن فهم مطالب آن برای همگان است. نخستین رساله عملیه، رساله جامع عباسی است که مشتمل بر یک دوره کامل فقه از طهارت تا دیات در بیست باب است (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۹۶)؛ از آنجایی که این رساله‌ها در حقیقت مشتمل بر یک دوره کامل فقه به زبان ساده می‌باشند، ضرورت دارد به منظور دستیابی به دین نهادی، حتی‌المقدور به متون فقهی که زیربنای نگارش این رساله‌ها بوده است توجه

شود؛ به بیان ساده‌تر دین نهادی را باید از دل مکتوبات هنجاری عالمان متقدم و متأخر استخراج نمود که در دین اسلام زیر مسائل و کتب فقهی قرار گرفته است و توسط رساله‌های عملی به عرصه عمومی وارد گردیده است.

از نخستین متون فقهی که معاملات و مسائل اقتصادی در آن بحث گردیده است، کتاب المقنع و هدایة مرحوم شیخ صدوق^ع ذیل باب المکاسب و التجارات است. پس از ایشان مرحوم شیخ مفید^ع ابواب المکاسب را عنوان کرده، مرحوم سید مرتضی^ع در کتاب انتصار ذیل باب «البیوع و الربا و الصرف» به بحث و بررسی این موضوعات پرداخته‌اند. با این حال مشهورترین کتاب در این زمینه مکاسب محرمة شیخ مرتضی انصاری^ع است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۴).

همان‌گونه که مشخص است در نخستین متون فقهی در شیعه مباحث اقتصادی زیر عنوان‌های التجارت و المکاسب مطرح گردیده است؛ ولی به دلایلی همچون تعدد معانی تجارت و غلبه معنای کسب همراه با سود در آن، واژه مکاسب نسبت به تجارت در دوران متأخر بیشتر ناظر به مباحث اقتصادی در فقه است؛ از این جهت امروزه مباحث اقتصادی در فقه زیر مفهوم مکاسب مطرح می‌گردد؛ مکاسب جمع مکسب است؛ مکسب عنوان مصدر میمی دارد و در تعبیری که در لغت وجود دارد مکسب یعنی «ما یطلب به المال»: آن چیزی که به وسیله او مال از او طلب می‌شود و مال از او به دست بیاید؛ ولی مراد از آن تنها تجارت و معاوضه کالا و خرید و فروش نیست، بلکه بیشتر ناظر به کلیه فعالیت‌های اقتصادی است؛ چنان‌که در کتاب مکاسب محرمة مواردی بحث می‌شود که اصلاً بحث تجارت و خرید و فروش نیست؛ برای مثال بحث می‌شود که آیا عبادات استیجاری صحیح است یا نه؟ که در واقع اجاره بر اعمال است، عمل شخصی متعلق اجاره قرار می‌گیرد، مثلاً طلبه‌ای پولی می‌گیرد و نماز استیجاری می‌خواند. در کتاب مکاسب مباحثی وجود دارد که متعلقش عین خارجی نیست که بگوییم این عین معاوضه می‌شود؛ متعلقش منفعت هم نیست؛ متعلقش عمل یک انسانی است که برای آن عمل اجیر می‌شود (همان).

فارغ از مجادلات لغوی، به دلیل جامعیت کتاب مکاسب شیخ انصاری^ع در حوزه مباحث اقتصادی، پس از ایشان اصطلاح مکاسب کاملاً رواج داشته و فعالیت‌های اقتصادی از دید اسلام زیر این عنوان بیان می‌گردد. اگرچه بعضاً اصطلاح مکاسب محرمة نیز به جای

المکاسب استفاده می‌گردد، ولی هنگامی که در معنای عام صحبت از مکاسب محرمه می‌شود، مراد کلیه فعالیت‌های اقتصادی است که در کتاب شیخ انصاری رحمته الله علیه بیان گردیده است و در معنای خاص اشاره به بخشی از کتاب دارد که به دنبال بررسی این است که خرید و فروش کدام شیء - یا به‌طور کلی کدام فعالیت اقتصادی - حلال و کدام حرام است.

بحث اصلی کتاب ایشان درباره محرمت از مکاسب است؛ بحث بعدی در مبحث مکاسب، بحث از عقود معاملی و شرایطشان است - مثل اجاره و بیع و جعاله ... - سپس بحث در باب لزوم و جواز معامله و به عبارتی بحث خیار است؛ سرانجام هم محل طرح بحث احکام اختصاصی انواع معاملات مثل صلح، مزارعه و ... است؛ البته در مجموع تاکنون یک دسته‌بندی کامل و جامع از مکاسب محرمه ارائه نشده است. طبق نظر آیت‌الله میرباقری (۱۳۹۲) طبقه‌بندی مشهور در مکاسب تقسیم‌بندی به حرام، مکروه و مباح است و شیخ انصاری رحمته الله علیه مستحب و واجب را هم اضافه کرده‌اند.

آنچه برای این پژوهش دارای اهمیت است، بحث اصلی کتاب مکاسب محرمه است که بر اساس محرمت از مکاسب می‌باشد. بر اساس یک طبقه‌بندی کلی می‌توان موضوعات بخش اول مکاسب محرمه که به محرمت از مکاسب می‌پردازد را زیر پنج گروه اصلی تقسیم‌بندی نمود و کسب درآمد از راه این قبیل فعالیت‌ها را حرام و یا ممنوع دانست.

۱. فعالیت‌هایی که انجام‌دادن آن واجب است؛
۲. فعالیت‌هایی که در ذات خود حرام هستند؛
۳. فعالیت‌هایی که از نظر عقلاً منفعتی در آن نباشد؛
۴. فعالیت‌هایی که مقصود و هدف آن حرام است؛
۵. درآمد از راه فروش مواد نجس.

به جز مورد دوم که نیازمند معرفی رفتارهایی است که در ذات خود از نظر اسلام حرام هستند، مابقی موارد یادشده، ارائه‌دهنده معیاری هستند که باید با توجه به مصادیقشان بررسی شوند. مفصل‌ترین بخش در مکاسب محرمه گروه دوم هستند که شامل فعالیت‌هایی می‌باشد که در ذات خود حرام هستند. در چنین افعالی تقریباً با ۲۸ نوع فعل و یا رفتار حرام در کسب‌وکار مواجهیم.

در یک دسته‌بندی کلی، فعالیت‌های گروه دوم را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: فعالیت‌هایی که نوعی رویکرد و یا عملیات در کسب‌وکار در نظر گرفته می‌شوند؛ همچون غش، رشوه، تدلیس و ... است و فعالیت‌هایی که خود نوعی کسب‌وکار است؛ همچون مجسمه‌سازی، تنجیم، کهانت و

از دید شهید مطهری علیه السلام درآمد مشروع از نظر اسلام یعنی درآمدی که از سویی محصول فعالیت شخص باشد یا دست‌کم جنبه استثمار نداشته باشد و از سوی دیگر از لحاظ مصرف، قابلیت مصرف‌شدن، مشروع و مفید داشته باشد و به اصطلاح فقیهان جنس مورد معامله دارای منفعت محله مقصوده باشد؛ به عبارت دیگر هدف‌ها منافع اجتماع باشد نه پرکردن جیب شخص (مطهری، ۱۳۶۰، ج ۲۰، ص ۴۰۷). ایشان در این زمینه می‌فرماید:

از همه اینها [آشکار می‌شود که] تز اسلام این است: منبع درآمد، تمایلات و خواسته‌های مردم نباید باشد، مصالح عمومی باید باشد، به تعبیر فقیهان خرید و فروش چیزی جایز است که منفعت محله مقصوده داشته باشد. این اقتصاد، اقتصادی است واقع‌بینانه و مرتبط به اخلاق و تربیت بشر؛ پس در عین اینکه اسلام طرفدار ازدیاد ثروت است و ثروت را وسیله تأمین هدف‌های عالی خود می‌داند، به این دلیل که هدف، عالی‌تر از خود ثروت است، راه درآمد را تمایلات و تقاضا نمی‌داند، مصلحت را راه می‌داند؛ ولی در اقتصاد جدید این‌گونه محدودیت‌ها وجود ندارد، به‌ویژه اقتصاد سرمایه‌داری (همان، صص ۴۰۷-۴۰۶).

از این رو می‌توان ادعا نمود که به منظور مفهوم‌سازی فساد اقتصادی در سنت اسلامی - شیعی بهترین تعبیر و یا معادل مفهومی برای آن، «مکاسب محرمه» است؛ پس مفهوم اصطلاحی و تخصصی که از فعالیت‌های اقتصادی به ذهن عالمان دین متبادر می‌گردد، واژه مکاسب است و درآمدها و فعالیت‌های اقتصادی ممنوع و حرام زیر عنوان مکاسب محرمه بحث و بررسی می‌شود؛ بنابراین تمامی آنچه که از آن به عنوان فساد اقتصادی از دید اسلام یاد می‌شود در مکاسب محرمه آورده شده است.

توجه به این نکته بایسته است که متأسفانه مکاسب محرمه که از زمان شیخ انصاری علیه السلام بدین شکل کنونی رواج داشته است و قواعد فقهی و حقوقی آن در میان مردم پذیرفته شده و تاکنون نیز به همین سبک و سیاق و با همین سرفصل‌ها در حوزه‌های علمیه تدریس گردیده است. برخی از مباحث آن همچون کذب و غیبت و ... در زمره مباحث اقتصادی

نمی‌باشد و از سویی برخی از احکام آن همچون تدلیس مشاطه امروزه کاربردی ندارد؛ چنان‌که برخی از مسائل و ضوابط کلی در کتاب و سنت که نیاز این روزگار است نیز در آن آورده نشده است؛ از این رو نیاز به بازنگری کلیدی و روزآمد نمودن آن به منظور انطباق بیشتر با مسائل روز و مبانی اسلامی به شدت احساس می‌گردد. با این وجود با توجه به اینکه همچنان مکاسب محرمة در سرفصل‌های دروس حوزوی و محاورات فقیهان شیعی به مفهوم فساد اقتصادی دلالت می‌کند و نیز عمق و نفوذ آن در بخش‌های بسیاری از قانون مدنی کشور، به نظر می‌رسد همچنان بهترین کلیدواژه و سرفصل پژوهشی به منظور معرفی مفهوم فساد اقتصادی در نظام اسلامی باشد.

برخی از پژوهشگران هنگامی که در پی تعریف فساد مالی از دیدگاه اسلام بوده‌اند آن را «هرگونه انحراف از ضوابط شرعی در تمامی زمینه‌های تخصیص منابع، چه در عرصه توزیع درآمد و چه در بازار کالاها و خدمات» تعریف کرده‌اند (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳) و در ادامه ایشان بیان نموده‌اند شرع مقدس تمامی آنچه را که در تمامی بخش‌های اقتصاد اعم از تخصیص منابع، تولید، توزیع، مصرف و دیگر قسمت‌ها با مصالح واقعی جامعه اسلامی و افراد آن سازگار نیست، موجب فساد دانسته و تحریم نموده است؛ نتیجه اینکه هرگونه فعالیت‌هایی که با احکام شرع منافات دارد، موجب فساد است و باید با آن مبارزه شود. برخی از مصادیق فساد مالی از این قرارند: ربا، رشوه، کم‌فروشی، بسیاری از رانت‌خواری‌ها، غش در معاملات، پرداخت نکردن حقوق واجب بر مال، تکاثر ثروت در دست گروهی معدود، کنز، بسیاری از سودهایی که با انحصار مصنوعی به دست می‌آید، سوء استفاده از اضطرار خریدار یا فروشنده، هرگونه تقلب، اختلاس و اخاذی و تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و خصوصی، کلاهبرداری، سوء استفاده از مقام دولتی برای تأمین منافع شخصی خود یا دوستان و آنچه شبیه به موارد یادشده، می‌باشد. هنگامی که به مصادیقی که در اینجا برای فساد ذکر شد، توجه می‌کنیم و آن را با تعاریف و مصادیق فساد اقتصادی که به وسیله صاحب‌نظران و مؤسسات بین‌المللی گزارش شد، مقایسه می‌نماییم، روشن می‌شود که فساد اقتصادی از دید اسلام عبارت است از فساد در نظر صاحب‌نظران یادشده، چه اینکه اسلام همه آن موارد را فساد می‌داند و علاوه بر آن، شامل مواردی از قبیل عدم تأدیه حقوق مالی برای تأمین زندگی نیازمندان نیز می‌شود (همان).

در پی ارائه مفهوم فساد اقتصادی از دید اسلام بر اساس دین نهادی و در چارچوب روش‌شناسی نهادگرایانه، از آنجایی که دین اسلام مبتنی بر فطرت بشری و عقل است، آنچه بر این اساس ارائه می‌گردد قابلیت جهان‌شمول داشته است و می‌توان این‌گونه ادعا نمود که موضوع فساد اقتصادی در تاریخ تشیع توسط فقیهان و عالمان به علت اهمیتش به صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته که در دوران متأخر زیر عنوان «مکاسب محرمه» بیان گردیده است.

با عنایت به آنچه بیان گردید و بر اساس این تعاریف رایج در اسلام می‌توان فساد اقتصادی از دید اسلام را انحراف از ضوابط شرعی در تمامی عرصه‌های اقتصادی دانست؛ ولی اگر قصد داشته باشیم با توجه به مبانی و روش بخش قبل به صورت صحیح به موضوع مفهوم فساد اقتصادی از دید اسلام بپردازیم، باید به مفهوم مکاسب محرمه و مصادیق آن رجوع کنیم. این مفهوم علاوه بر اینکه پوشش‌دهنده مفاهیمی که پیش از این درباره فساد بیان گردید می‌باشد، بر ارزش‌ها و هنجارهای عرفی فرهنگی شده در میان شیعیان نیز استوار است؛ از آنجایی که این مفهوم بر مصادیق متعددی دلالت دارد می‌توان آن را یک مفهوم کلی دانست؛ همچنان که شیخ انصاری^۱ موارد مکروه را نیز به مبحث مکاسب محرمه افزوده است، باید به این نکته توجه نمود که مفهوم مکاسب محرمه یک مفهوم مشکک است که در سطوح گوناگون و رتبه‌های مختلف امکان وقوعش وجود دارد و این مهم بر خلاف تعاریف متداول درباره فساد اقتصادی می‌باشد.

از طرفی این مفهوم برخلاف تعاریف رایج از فساد تنها محدود به دولت و بخش دولتی که در آن رشوه یکی از مهم‌ترین مصادیق است نمی‌باشد؛ اگرچه توجه ویژه‌ای به حاکمیت دارد. این مفهوم در قیاس با برداشت مفهومی در تعاریف غربی شمول بسیار گسترده‌ای داشته تا آنجاکه می‌توان ادعا کرد حتی بی‌توجهی به محیط زیست را نیز شامل می‌شود. مسئولیت اجتماعی (Social Responsibility) در کسب درآمد که در مفاهیم متداول از فساد مورد توجه قرار نگرفته است، در مکاسب محرمه یکی از مهم‌ترین موضوعات و مسائل در تبیین فساد اقتصادی می‌باشد؛ از سوی دیگر نه تنها می‌توان فساد اقتصادی را با استفاده از مکاسب محرمه تبیین مفهومی نمود، بلکه می‌توان با استفاده از آن مصادیق و در

نتیجه ساخت نماگرهای مناسب، شاخصی بومی و اسلامی برای سنجش فساد اقتصادی نیز طراحی نمود.

بنابراین، به‌طورکلی مفهوم «مکاسب محرمة» معادلی دقیق و عمیق برای مفهوم فساد اقتصادی در سنت اسلامی - شیعی می‌باشد که متأسفانه ظرفیت آن در میان پژوهشگران و سیاست‌گذاران برای مبارزه با فساد اقتصادی همواره مورد غفلت واقع شده است. از آنجایی که این مفهوم کلی و تخصصی ریشه در اعتقادات و سنت‌های تاریخی این مرز و بوم دارد، استفاده از آن نه تنها به مبانی ما نزدیک‌تر است، بلکه عمل‌کرد و تأثیری به مراتب عمیق‌تر در رفع فساد اقتصادی خواهد داشت؛ از طرفی مبتنی بر مصادیق این مفهوم می‌توان شاخصی به منظور سنجش میزان فساد اقتصادی به دست آورد که در بخش بعد بررسی خواهد شد.

سنجش مفهوم فساد از دیدگاه اسلام

به منظور سنجش فساد روش‌های گوناگونی وجود دارد؛ ولی در میان این روش‌ها همچنان روش ادراک فساد (Corruptions Perception Index (CPI)) از اعتمادپذیری قابل قبولی برخوردار می‌باشد و به همین دلیل توسط سازمان بین‌المللی شفافیت و بانک جهانی به منظور سنجش فساد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این نوع سنجش فساد مبتنی بر نظرسنجی از مردم و گروه‌های مختلف و سنجش نظرات ایشان درباره میزان فساد رایج در نهادها یا کل جامعه است. در این‌گونه پیمایش‌ها معمولاً نظریات نخبگان سیاسی، مقامات دولتی، اهل کسب‌وکار، متخصصان و عموم مردم درباره وجود و رواج فساد در جامعه پرسیده می‌شود. دیدگاه‌های نخبگان به این دلیل اهمیت دارد که نگرش‌های ایشان بر شکل‌گیری اقدامات ضد فساد تأثیر می‌گذارد و دانستن نگرش‌های آنها راهی به سوی شناخت زمینه‌های تدوین سیاست‌های ضد فساد است؛ به علاوه این افراد احتمالاً از مطلع‌ترین‌ها درباره فساد و به‌ویژه فساد کلان هستند. سنجش نظرات بقیه مردم درباره فساد نیز شاخصی از میزان وقوع آن در جامعه تلقی می‌شود. این‌گونه اندازه‌گیری بیشتر با استفاده از پرسشنامه و در نمونه‌های بزرگ انجام شده و از

انواع روش‌های نمونه‌گیری برای تضمین معرف‌بودن داده‌ها استفاده می‌گردد (فاضلی، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

به‌طورکلی به منظور سنجش هر متغیر مفهومی، نخست باید آن مفهوم را به مصادیقش تقسیم کرد؛ سپس برای آن مصادیق گویه‌ها و نمایه‌های مناسب معرفی نمود تا با سنجش آن معرف‌ها بتوان به سنجش متغیر مفهومی مدنظر دست پیدا کرد.

با توجه به روش ادراک فساد در این پژوهش باید مصادیق فساد اقتصادی از دید اسلام معرفی و برای اندازه‌گیری هر کدام از مصادیق پرسش‌هایی جهت بررسی نگرش مخاطبین از وضعیت فساد طراحی شود؛ بر این مبنا همان‌گونه که بیان گردید مکاسب محرمة در پنج گروه اصلی تقسیم می‌شود که از این میان تنها یک مورد اشاره به فعالیت‌هایی دارد که در ذات خود از نظر اسلام حرام هستند و در میان فعالیت‌هایی که در ذات خود حرام هستند موارد ناظر به رویکرد حرام از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ چراکه رویکرد حرام در کسب‌وکار اشاره به روش یا روش‌های کسب درآمد دارد که قابلیت اجراشدن را در هر نوع از کسب‌وکار داشته باشد؛ به بیان دقیق‌تر مراد از این رویکرد شیوه یا شیوه‌هایی است که از آن طریق می‌توان درآمد خود را افزایش و یا سود بیشتری به دست آورد. ما در رویکرد اقتصادی به دنبال آن دسته از مصادیقی از فساد اقتصادی هستیم که مهم‌ترین ویژگی آنها عام‌بودن می‌باشد و وابسته به نوع ویژه‌ای از کسب‌وکار نمی‌باشد. از آنجایی که آشکارسازی تمامی مصادیق حرام در مکاسب محرمة نیازمند صرف هزینه و امکانات بسیار فراوان می‌باشد، در این میان، پنج رفتار مهم کم‌فروشی، رشوه، غش، نجش و تبانی که جایگاه ویژه‌ای در مکاسب محرمة به منظور سنجش فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام دارند، انتخاب گردید.

جامعه آماری این پژوهش منطقه ثامن (بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا علیه السلام) می‌باشد و مهم‌ترین فعالیت اقتصادی در این جامعه خدمت‌رسانی به زائران امام رضا علیه السلام است؛ بنابراین مخاطب فعالیت‌های اقتصادی انجام‌گرفته در این منطقه، زائران حرم رضوی می‌باشند که باید از آنها نظرسنجی در این رابطه صورت گیرد؛ از سویی نظر ایشان درباره میزان فساد در بافت مشهد نافذترین و با اهمیت‌ترین نظرگاه است؛ چراکه در حقیقت نظر ایشان به مثابه نظر مردم ایران درباره فساد اقتصادی و کسب‌وکار در شهر مشهد است.

نیاز به توضیح است که مراد از فساد در این پژوهش تنها محدود به فساد اداری نمی‌باشد و در حقیقت بخش خصوصی را نیز شامل می‌شود؛ بر این اساس اصناف با توجه به برخورد با زائران انتخاب شده‌اند؛ به بیان ساده‌تر فساد در میان فعالیت‌های اقتصادی که زائران بیشترین برخورد با آنها و استفاده از خدماتشان را انجام می‌دهند، انتخاب شده‌اند که در این میان فروشندگان اطراف حرم، خدمات اقامتی و خدمات حمل‌ونقل بیشترین برخورد و مراجعه زائران را دارند که در این پژوهش فساد در میان این سه گروه فعالیت اقتصادی بررسی گردیده است.

برای نظرسنجی از زائران درباره فساد از روش طیف لیکرت استفاده شد؛ بدین منظور ابتدا پرسشنامه‌ای با ۳۶ پرسش طراحی شد که جهت سنجش روایی محتوایی آن در میان اساتید حوزه و دانشگاه و متخصصان توزیع گردید و از میان پرسش‌ها با توجه به امتیازات و نظراتشان، سرانجام بیست پرسش جهت سنجش میزان ادراک فساد انتخاب گردید. همچنین به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از فرمول آلفای کرونباخ استفاده گردیده که مقدار آن برابر ۰.۸۶۱ بوده است که با توجه به اینکه این مقدار بیش از ۰.۷ است، نشان می‌دهد که کل پرسشنامه و تک‌تک پرسش‌ها از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند.

با توجه به اینکه جامعه آماری جهت نظرسنجی، تمامی زائران حرم رضوی می‌باشد که بنا به آمار در سال در حدود بیست میلیون نفر می‌باشند، نمونه‌گیری به صورت تصادفی و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با توجه به دشواری بودن و هزینه‌بر بودن با خطای ۷.۵ درصد، تعداد ۱۷۱ نفر انتخاب شد.

هدف از سنجش در روش ادراک فساد، بیشتر بررسی تغییرات نگرش‌های مردم و نخبگان در یک بازه زمانی، شناخت درک مردم و نخبگان از کارایی دولت و سطح وقوع فساد، شناخت نهادها یا عرصه‌هایی که بیشترین فساد در آنها رخ می‌دهد، شناخت اقداماتی که مردم آنها را فساد یا مهم‌ترین صورت‌های فساد تعریف می‌کنند، ارائه معیارهایی برای رده‌بندی کشورها در زمینه فساد و کمک به سیاست‌گذاری برای مبارزه با آن است (فاضلی، ۱۳۸۸، ص ۵۶).

از میان این اهداف، شناخت نهادهایی که در آن بیشترین فساد رخ می‌دهد و مهم‌ترین صورت‌های فساد در خدمات ارائه‌شده به زائران در این پژوهش انتخاب گردید؛ بر این

اساس به‌طورکلی از دید زائران بیشترین فساد اقتصادی در سیستم حمل‌ونقل با نرخ ۵۸ درصد مشاهده شده است؛ این در حالی است که هتلداران با نرخ فساد ۴۴ درصد، سیستم اقتصادی سالمی را نسبت به دیگر اصناف دارا می‌باشند و در این میان فروشندگان اطراف حرم با نرخ ۵۵ درصدی فساد در میانه این آمار قرار دارند.

همچنین با توجه به تقسیم‌بندی که پیش از این در صورت‌ها یا همان اجزای فساد اقتصادی از دید اسلام مطرح گردیده بود، در هر یک از این خدماتی که یاد شد میزان هر یک از این اجزا محاسبه و مقایسه گردید که نتایج در جدول یک آمده است. طبق نتایج، نخستین گروه خدماتی که زائران بیشتر در بدو ورود به شهر مشهد با آن روبه‌رو هستند، خدمات حمل‌ونقل است که در بیشتر موارد توسط تاکسیرانی انجام می‌گیرد. در این گروه از نظر زائران، تبانی با ۷۰ درصد بیشترین و رشوه با ۴۵ درصد کمترین میزان فساد را به خود اختصاص می‌دهند. پس از آن مهم‌ترین مسئله‌ای که زائران با آن روبه‌رو می‌باشند، محل اقامت و خدمات اقامتی می‌باشد که شامل هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، زائرسراها، کمپ‌ها و ... می‌باشد. بنا به نظر زائران درباره وضعیت فساد اقتصادی در این اماکن رشوه با ۵۲ درصد بالاترین و تبانی با ۴۰ درصد کمترین میزان را دارا می‌باشند.

سرانجام زائران پس از استقرار در مشهد به منظور خرید سوغاتی و نیازمندی‌های خود همچون خوراک و پوشاک با فروشگاه‌های اطراف حرم ارتباط خواهند داشت. بر اساس نظر ایشان در میان اجزای فساد کم‌فروشی کمترین و تبانی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است.

جدول ۱: میزان درصد فساد در خدمات حمل‌ونقل، هتلداری و فروشگاه‌ها

عنوان فساد	خدمات حمل‌ونقل (درصد)	خدمات هتلداری (درصد)	خدمات فروشگاه‌ها (درصد)
نجش	۶۵.۷۶	۴۶.۳۱	۶۳.۶۴
کم‌فروشی	۵۳.۰۵	۴۷.۸۷	۳۴.۶۶
تبانی	۷۱.۱۶	۴۰.۷۷	۶۴.۷۷
رشوه	۴۵.۴۵	۵۲.۲۸	۴۹.۰۱
غش	۶۰.۶۵	۴۱.۷۷	۶۱.۲۹

بر این اساس، به منظور مبارزه با فساد نخست باید سیستم حمل و نقل، پس از آن فروشگاه‌ها و سرانجام خدمات اقامتی اصلاح شوند. همچنان‌که مبارزه با تبانی در سیستم حمل و نقل و فروشگاه‌های اطراف حرم باید در اولویت باشند؛ در هتل‌ها مسئله اصلی دریافت رشوه می‌باشد که باید با آن مبارزه شود. در ادامه توصیه‌ها و پیشنهادهایی به منظور بهبود فضای خدمات‌رسانی به زائران و کاهش فساد در آن آورده شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با رویکرد تحلیلی در پی ارائه یک معادل مفهومی مناسب برای فساد اقتصادی بوده است که بتوان از آن در ساخت شاخص بومی برای سنجش وضعیت موجود این مهم استفاده کرد؛ بر این اساس پس از بررسی مطالعاتی که پیش از این به تبیین مفهوم فساد از دید اقتصاد اسلامی پرداخته بود، هدف نهایی خود را یافتن معادل مفهومی برای فساد اقتصادی از منظر فساد بیان نمود؛ از این رو، در بخش نخست ضمن اشاره به تعاریف رایج از فساد مشخص گردید که تمرکز بیشتر این تعاریف روی مفهوم فساد دولتی به عنوان فساد اقتصادی می‌باشد. پس از نشان‌دادن ایرادات وارد بر مفاهیم رایج از فساد اقتصادی، نشان داده شد که این اشکال به دلیل آن است که تعاریف یادشده برگرفته از مبانی نظام ارزشی و هنجاری اقتصاد متعارف (اقتصاد سرمایه‌داری و بازار آزاد) بوده است که در آن بخش خصوصی، قلمرو آزادی نامحدود فردی است و نظام اخلاق فایده‌گرایانه تنها به نتایج اعمال در راستای دستیابی به شادی توجه داشته و از این رو توانایی تبیین و تعیین فساد در دیگر جوامع را ندارد؛ بر این اساس، سراغ رویکرد اقتصاد نهادگرا رفتیم که ادعا دارد بر مبنای اخلاق و وظیفه‌گرایانه تبیین مفهوم فساد در هر جامعه‌ای باید مبتنی بر نظام ارزشی آن جامعه یا به عبارتی الگوهای هنجاری عرفی فرهنگی شده آن جامعه صورت گیرد.

بر اساس چارچوب روشی اقتصاد نهادی به تبیین مفهوم فساد اقتصادی از دید اسلام پرداخته شد؛ بر این اساس کوشش شد به هنجارها و ارزش‌های عرفی فرهنگی شده یا به بیان بهتر ارزش‌هایی که در میان عموم مردم در سیر تاریخی مورد پذیرش قرار گرفته بود، پرداخته شود؛ برای این منظور، از میان چهار مرحله دین بیان‌شده، «دین نهادی» مبنای عمل

قرار گرفت که برای کشف مفهوم فساد در آن - با توجه به اینکه رساله‌های عملیه مبنای عمل زندگی مسلمانان می‌باشند به کتب فقهی - که منبع اصلی استخراج این رساله‌ها به منظور کشف دین نهادی می‌باشند - مراجعه گردید.

با توجه به پیشینه تاریخی مباحث اقتصادی در فقه شیعه و جایگاه کتاب مکاسب محرمه در میان متأخرین و نقش آن در جامعه مشخص گردید که مکاسب محرمه به عنوان دقیق‌ترین معادل مفهومی برای فساد اقتصادی در سنت اسلامی - شیعی در دین نهادی می‌تواند انتخاب گردد که علاوه بر اینکه یک مفهوم کلی می‌باشد، یک مفهوم مشکک نیز هست.

سرانجام با توجه به برخی از مهم‌ترین مصادیق این مفهوم کلی، شاخص سنجش فساد اقتصادی از دید اسلام ساخته شد و بر این اساس گویه‌هایی برای سنجش پنج مصداق کلیدی در مکاسب محرمه با استفاده از روش ادراک فساد به وسیله پرسشنامه طراحی گردید که جامعه آماری آن بافت پیرامون حرم رضوی بوده است؛ یافته‌های به‌دست‌آمده خبر از ابتلای بالای پنجاه درصد این بافت به مفاسد اقتصادی مدنظر اسلام می‌دهد.

منابع و مأخذ

۱. افضلی، عبدالرحمن؛ «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت»؛ مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور بین‌المللی ریاست جمهوری، س ۲۸، ش ۴۵، ۱۳۹۰.
۲. اکبرنژاد، مهدی، مینا یعقوبی و فرزاد غلامی؛ «بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن و احادیث»؛ مدیریت اسلامی، س ۲۲، ش ۱، ۱۳۹۳.
۳. پرور، اسماعیل؛ مبارزه با فقر و فساد در سیره نبوی؛ مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.
۴. تانزی، ویتو؛ «مسئله فساد: فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»؛ ترجمه بهمن آقایی؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۴۹ و ۱۵۰، ۱۳۷۸.
۵. توکلی، عبدالله؛ «سنجش فساد اداری: درآمدی بر تبیین الزامات روش‌شناختی طراحی شاخص ملی»؛ روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۷، ش ۶۹، ۱۳۹۰.
۶. حبیبی، نادر؛ فساد اداری (عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه)؛ تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشارات وثقی، ۱۳۷۵.
۷. خدمتی، ابوطالب؛ فساد اداری؛ قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۸. دادگر، حسن و غلامعلی معصومی‌نیا، فساد مالی؛ تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳.
۹. ربیعی، علی و هاجر آصف؛ «نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری»؛ فصلنامه مدیریت دولتی، ش ۱۰، ۱۳۹۱.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق سیدمحمد گیلانی، تهران: نشر کتابخانه مرتضوی، ۱۳۸۱.
۱۱. رفیعی، حسین؛ «رانت، فساد مالی - اداری»؛ مجله کتاب نقد، ش ۳۷، ۱۳۸۴.
۱۲. رهبر، فرهاد و دیگران؛ بازشناسی عارضه فساد مالی؛ ج ۱ و ۲، تهران: مؤسسه نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۱۳. روشنی، سینا؛ «روش‌های مبارزه با فساد مالی و اداری»؛ مجله بانک و اقتصاد، ش ۶۴، ۱۳۸۴.

۱۴. دوست فرخانی، هادی، لیلا یزدان‌پناه، حسن بوستانی و امید رضایی؛ «بررسی رابطه نگرش به فساد اداری و دینداری»؛ *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ش ۱۰، ۱۳۹۲.
۱۵. صادقی، حسین، عباس عصارای آرانی و وحید شقاقی شهری؛ «اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی (رویکرد اقتصادی)»؛ *پژوهشنامه اقتصادی*، س ۱۰، ش ۳۹، ۱۳۸۹.
۱۶. عظیمی، حسین، علی عطا فر و علی شائمی برزکی؛ «بررسی عوامل مدیریتی و سازمانی مؤثر بر فساد اداری - مالی در سازمان‌های دولتی مراکز استان‌های اصفهان و زنجان»؛ *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، س ۴، ش ۸، ۱۳۸۹.
۱۷. فاضلی، محمد؛ *مقدمه‌ای بر سنجش فساد*؛ تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۸. لنکرانی، فاضل؛ «درس‌گفتار: دروس فقه، مکاسب محرمة (جلسه اول)»؛ ۱۳۸۴.
۱۹. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار (۲۰)*؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۰.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴.
۲۱. میرباقری، سیدمحمد مهدی؛ *درس‌گفتار دروس خارج فقه: مکاسب محرمة (جلسه اول: کلیات مکاسب محرمة)*، ۱۳۹۲.
۲۲. هادوی تهرانی، مهدی؛ «نظریه اندیشه مدون (۱)»؛ *مجله قیاسات*، ش ۷، ۱۳۷۷.
۲۳. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد؛ *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*؛ قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۶ق.

24. Alhabshi, Othman; **Definition of Bribery According to Islam**; Institute of Islamic Understanding, Malaysia (IKIM), 2008.
25. Arafa, Mohamed A.; "Corruption and Bribery in Islamic Law: Are Islamic Ideals Being Met in Practice?"; **Annual Survey of International & Comparative Law**: Vol. 18 : Iss. 1 , Article 9, 2012.

26. Burke, Edmund; "A Philosophical Enquiry into the Origin of Our Ideas of the Sublime and Beautiful"; **Harvard Classics**, Vol. 24, Part 2, 1757.
27. Hodgson, Geoffrey M., and Shuxia Jiang; "The Economics of Corruption and the Corruption of Economics: An Institutional Perspective"; **Journal of Economic Issues**, Vol. XLI, No. 4, 2007.
28. Hodgson, Geoffrey M.; **From Pleasure Machines to Moral Communities: An Evolutionary Economics without Homo Economicus**; University of Chicago Press, 2013.
29. Hagstrom, Warren O; **The Scientific Community**; New York: Basic Books, 1965.
30. Jain, Arvind K; "Corruption: A Review"; **Journal of Economic Surveys**, 15, 1, 2001.
31. Kaufmann, Daniel; "Corruption: The Facts"; **Foreign Policy** 107, 1, 1997.
32. Kilpinen, Erkki; **The Enormous Fly-Wheel of Society: Pragmatism's Habitual Conception of Action and Social Theory**; Helsinki: University of Helsinki, 2000.
33. Levin, Mark, and Georgy Satarov; "Corruption and Institutions in Russia"; **European Journal of Political Economy**, 16, 1, 2000.
34. Mauro, Paolo; "Corruption and Growth"; **the quarterly journal of economics**, Vol. 110, No. 3 (Aug.), 1995.
35. Miller, Seumas, Peter Roberts, and Edward Spence; **Corruption and Anti-Corruption: An Applied Philosophical Approach**; Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 2005.

36. Nye, Joseph S.; "Corruption and Political Development: A Cost-benefit Analysis"; **American Political Science Review** 61, 2, 1967.
37. Rose-Ackerman, Susan; **Corruption and Government: Causes, Consequences and Reform**; Cambridge and New York: Cambridge University Press, 1999.
38. Shleifer, Andrei, and Robert W. Vishny; "Corruption"; **Quarterly Journal of Economics** 108, 3, 1993.
39. Tanzi, Vito. Politics; **Institutions and the Dark Side of Economics**; Cheltenham: Edward Elgar, 2000.
40. Treisman, Daniel; "The Causes of Corruption: A Cross-National Study"; **Journal of Public Economics** 76, 3, 2000.
41. Warren Mark E.; "What Does Corruption Mean in a Democracy?"; **American Journal of Political Science**, Volume 48, Issue 2, 2004.
42. Wood, Wendy, Quinn, Jeffrey M., Kashy, Deborah A.; "Habits in everyday life: Thought, emotion, and action"; **Journal of Personality and Social Psychology**, Vol 83(6), 2002.
43. World Bank; **Helping Countries Combat Corruption: The Role of the World Bank**; Washington DC: World Bank, 1997.